



فاتح محمد سامع

8/02/2025

## نگاهی به پس منظر معضل متداوم افغانستان

اگر با دقت و ژرف نگری به قضایا نگاه شود کشوری به نام افغانستان از گذشته های دور مشکلات بی شمار داشته است .

مشکلات میراثی از گذشتگان است که ریشه در عوامل اجتماعی ، اقتصادی ، فرهنگی ، عدم آگاهی و بی سوادی ، استعمار ، موقعیت جغرافیوی ، نفاق و بی اتفاقی ، رقابت های منطقوی ، زمامداران وارداتی و رهبران خودخوا و بی برنامه ، نداشتن احساس ملی ، خود خواهی ، عطش قدرت طلبی ، غرور و یکه تازی در هنگام زعامت بوده است که با بیسواد نگهداری مردم و نقش روحانیون ساخت مدارس دبو بندی ، پیوند نزدیک دارد .

بدون درک گذشته ، قادر نخواهیم بود تا مسیر آینده خویش را به گونه ای خردمندانه برنامه ریزی کنیم.

استفاده ابزاری از آیدیالوژی و باور های مذهبی خود ساخته خلاف آیات قرآنی ، کاربرد کورکورانه آیدیالوژی های وارداتی بدون توجه به اوضاع و شرایط اجتماعی و فرهنگی کشور ، عدم تطبیق یک سان قانون بر همه شهروندان ، نقش رهبران و زعمای مافوق قانون و یا همیشه بالاتر از قانون ، کیش شخصیت سازی با القاب واهی «تولواک ، سایه خدا، رهبر بی بدیل ، نابغه شرق ، متفکر ، غازی ، بابا ، مجاهد و مجتهد و امثالهم» را در عقب نگهداشتن کشور نه می توان نا دیده انگاشت .

پس مشکلات این کشور از گذشته های دور تا کنون بی شمار بوده است که نیازی به یاد آوری ندارد. رهبران در افغانستان چون سمارق سر زده اند و نابود شدند و هیچ دستاوردی قابل لمس از خود نگذاشتند چون یا به شرق یا به غرب و یا به کشور های منطقه و همسایه وابسته بودند.

تشریح و توضیح عوامل معضلات مزمن تاریخی، برنامه های غیر علمی و عملی و بررسی کمی و کاستی آن در کشور از حوصله این یادداشت مختصر خارج است. اما بطور مؤجز قابل یادمانی می دانم که علت اصلی تاریخی عقب مانگی و ظهور مداوم بحران ها در افغانستان با عوامل زیر پیوند ناگسستنی دارد .

۱- برای شهرت ، ثروت ، شهوت و قدرت در طول تاریخ به ویژه در افغانستان (فغانستان) کشمکش و جنگ وجود داشته است . این خصوصیت در میان زمامداران ساخت انگلیس در تاریخ از احمد شاه تا داود خان وجود داشته است . دوران حکومت مطلقه خاندان اهل یحیی و استبداد هاشم خان و محمد گل مهمند و پیروان او برکسی پوشیده نیست . تصاحب دارایی های عامه که به مالکین بزرگ باغ ها و کاخ ها در ولایات مختلف افغانستان مبدل شده بودند اظهر من الشمس بوده و از نظر اهل خبره پنهان نیست . این گروه وارداتی و وابسته به استعمار بریتانیای انگلیس در راس نادر غدار از دیره دون هند در آغاز ورود در افغانسان ، در ده افغانان کابل در خانه کرایبی زندگی می کرد. بعد ها باغ ظاهر خان ، هاشم هان ، داود خان ، شاه محمود خان از کجا شد؟ استبداد این خاندان وارداتی در زندان های مخوف ارگ و دهمزنگ بیداد می کرد.

همچنان بحران کنونی محصول گروه های وابسته به ایدیالوژی کمونیستی جانبدار شوروی سابق ، مجاهدین وابسته به استخبارات خارجی ( آ آی اس آی ، سیا و ام آی سکس ، عربستان سعودی ، ایران ، چین ، روسیه و هند ) بوده و بان ارتباط و پیوند عمیق داشته است .

اخیرا ، دست نشانده های امریکا ، هریک کرزی مشهور به مداری و تیم اش و غنی روانی (مالیاخولی، لافوک و فراری) و بعد گروه های نیابتی سازمان سیا و استخبارات پاکستان به نام طالبان بی فرهنگ ، زن ستیز ، ضد تمدن و تولیدات مدارس دیو بندی بیشتر دیده شده است. زمامداران در افغانستان در بیش از دو نیم قرن به کمک اجنبی در قدرت گماشته شده اند .

نماینده های اقوام دیگر در دایره قدرت ، نقش بشقاب چین دور دستر خوان ارباب را داشتند . اربابان برای دوام و تصاحب قدرت حریفان و وابستگان خود را زندانی کردند ، کور کردند و نابود ساختند.

این ادعا بر مبنای شواهد و اسناد موثق تاریخی استوار است. هیچ گونه حب و بغض در آن وجود ندارد. خانه جنگی، خصومت و جنگ برادر با برادر، پدر با پسر، کاکا با برادر زاده، پیر با مرید، ملا با چلی، استاد با شاگرد، رفیق با رفیق، جنگ برادر سکه با اندر، حلالی با حرامی امر معمول بوده است.

۲- اکثریت مطلق مردم افغانستان از کودکی در فقر، خشونت رقابت و هم چشمی ها، عقده حقارت مزمن، محرومیت ها و عداوت ها در محل بودوباش، در بین اقارب و دوستان زندگی کرده اند. اکثر مردم از لحاظ روانی مطابق تعریف صحت و بهداشت بیمار و علیل هستند. در گفتار، کردار و رفتار شان بطور تا خود آگاه واکنش های مشاهده می شود که تاثیرات مزمن دوران زندگی دشوار و حالت بیچارگی را نشان می دهد.

در نیم قرن و به خصوص در دو نیم دهه اخیر که کشور زیر اشغال شوروی امریکا و ناتو بود مردم در شرایط نا آرام، اقتصاد وزیر ساخت های ویران، قرأ و قصابات بمباردمان، زراعت و آبیاری و مالداري فلج و تعلیم و تربیه در ۸۰ درصد جغرافیای کشور غیر فعال شده است.

۳- در چنین وضعیت تعداد محدود افراد با احساس در احزاب چپ و راست نه می توانستند کار موثر و بنیادی را انجام بدهند.

۴- وابستگی احزاب به کشور های خار جی، اصلاحات و ریفورم های واهی و احساساتی، غیر موثر و تند و بدون سهمگیری مردم، امحای بی رحمانه ای مخالفین، شعار های غیر متعارف و خلاف روحیه و روال عامه، ورهبران خود خواه، کله شق که بنا بر وابستگی دستگاه حاکم از سنین جوانی در مدارح عالی دولتی و تصمیم گیری قرار گرفتند، به تدریج و پیوسته زمینه ساز بحران و تشدید بی ثباتی شدند.

۵- حس و عطش قدرت طلبی یکی از عوامل مهم بحران متداوم شد که سر انجام مسبب وضعیت کنونی است. تحریک نا بخردانه ای اعضای حزب (دخا) و سرکوب مخالفین حربه ای کار آمدی را برای مخالفین داخلی و حامیان خارجی شان به خصوص پاکستان و امریکا و انگلیس در رقابت با روس و ایران و هند و چین مساعد ساخت که تا امروز کشور ما را در جنگ نامعلوم و متداوم استخباراتی و رقابت های منطوقی درگیر ساختند.

فساد و سوء استفاده از کمک های خارجی زیر عنوان باز سازی امر معمول بوده است. خویش خوری و تقرر افراد بی کفایت، جاسوس، خاین، منافق و چاپلوس در رده های مهم و کلیدی دولت بنا بر پیوند و شناخت با مقامات و نفوذ عمال بیگانه را در دستگاه دولت نه می توان اغماض کرد.

مردم در روشنایی درک عوامل معضلات گذشته و درک درست و روشن از تاریخ می توانند به منازعه در افغانستان نقطه پایان دهند. اما هر نوع انتظار از بیگانه ها در رفع بحران کنونی بدون همبستگی ملی، دستیابی به صلح و ثبات و مصالحه را در این کشور و منطقه به خطر جدی و تهدید مداوم و مستمر قرار می دهد. اما برای نیل به این امیال با توجه به شرایط کنونی راه طولانی در پیش است.